

اشتباهات عجیب

در واکنش به یک خبر سینمایی

فاطمه باقلعه‌نیز

انتشار خبر ساخت فیلمی درباره زندگی مولانا با کارگردان و بازیگران مطرح ایرانی، جنجال‌های بسیاری ایجاد کرد.

متن خبر این بود؛ حسن فتحی «مست عشق» را با موضوع زندگی مولانا در ترکیه جلوی دوربین می‌برد، خبری که از همان ابتدا با حاشیه همراه شد. وقتی این سوال پیش آمد که بازیگران نقش‌های اصلی این فیلم چه کسانی هستند، اولین بازیگری که خبر حضورش در این پروژه رسانه‌ای مطرح شد، شهاب حسینی بود؛ بازیگر مطرح سینمای ایران که گفته شد در این فیلم نقش مس تبریزی را به عهده خواهد داشت.

پس از انتشار این خبر، بحث درباره بازیگر نقش مولانا بالا گرفت. برخی کانال‌های سینمایی از انتخاب یک بازیگر ترک برای بازی در نقش مولانا نوشتند و این نکته را گوشزد کردند که حسن فتحی با این کار در دعوای قدیمی ایران و ترکیه برای تصاحب مولانا، یک گل به خودی تمام عیار می‌زند و اصطلاحا مولانا را دودستی به ترکیه تقدیم می‌کند. اتفاقی که یکی دو روزی در فضای مجازی حسایی سرسودا به‌پا کرد اما در نهایت حسن فتحی با انتشار یک پست اینستاگرامی به آن پایان داد؛ این‌که بازیگر نقش مولانا قطعا یک بازیگر مطرح ایرانی خواهد بود. ساعتی بعد هم انتشار خبر توافق سازندگان «مست عشق» با پارسا پیروزفر برای ایفای نقش مولانا خط پطلانی بر تمام حرف و حدیث‌ها بود. حاشیه‌های «مست عشق» اما به این موضوع ختم نشد. یکی دو روز از این ماجرا نگذشته بود که انتشار پاسخ ایت‌الله مکارم شیرازی به یک استفتاء درباره ساخت فیلمی درباره شمس و مولانا، «مست عشق» را وارد فاز جدیدی از شایعات کرد که ساعتی بعد با فتوای ایت‌الله نوری همدانی ادامه یافت.

در این استفتاء که به نام جمعی از طلاب حوزه علمیه قم مطرح شده بود، چندین فرض اشتباه وجود داشت؛ اول این‌که پروژه «مست عشق» به عنوان سریالی معرفی شده بود، در حالی که فیلم است. دوم این‌که اعلام شده بود در ساخت آن از بودجه‌های دولتی استفاده خواهد شد که از اساس و پایه غلط است و هیچ نهاد یا سرمایه دولتی در ساخت آن دخیل نیست و سوم این‌که فیلم درباره مولانا و عصر زندگی اوست و نه درباره شخصیت و زندگی شمس تبریزی. جدا از این اطلاعات غلط، در استفتاء مطرح شده، درباره «مقالات» شمس، توضیحاتی داده شده که از نظر ادبی و تاریخی اشتباه است. پاسخ به نامه‌های استفتاء که با امضای جمعی از طلاب حوزه علمیه قم به دفتر دو مرجع تقلید ارسال شده، این بود: «ساخت سریال درباره شمس و مولانا به سبب ترویج فرهنگ فله‌القاه صوفیه جایز نیست.»

پاسخی که مه‌ران برومند تهیه‌کننده این فیلم درباره‌اش می‌گوید: «فیلم «مست عشق»، داستان مستقیم زندگی مولوی و شمس و همچنین ترویج صوفی‌گری نیست، بلکه وقایع فیلم در عصر آنان می‌گذرد و به نوعی به این دو شاعر ارتباط پیدا می‌کند.»

اما این تنها اشتباه در این مورد نبود، چون شب گذشته، یکی از مدیران صداوسیما در توییتی نوشته بود: «سریال «مست عشق» که در آن شمس تبریزی به تصویر کشیده می‌شود و برخی اصرار دارند آن را تلویزیونی خوانده و باز هم به صداوسیما هجهه کنند، تلویزیونی نیست و برای شبکه نمایش خانگی، با مجوز وزارت ارشاد ساخته می‌شود.»

احتمالا استخاره این مدیر به بخشی از نامه به ایت‌الله مکارم شیرازی بود که در آن نوشته شده بود: «با التفات به وقایع و لوازم خطرناکی که انتشار و پخش این سریال بعد از اتمام ساختش از سیمای جمهوری اسلامی در پی خواهد داشت…» و این مدیر تلویزیونی با توجه به این جمله و البته بدون توجه به اینکه پیش از این در سازمان متبوعش سریالی درباره زندگی مولانا با عنوان «جلال‌الدین» ساخته و پخش شده، کنایه‌ای درباره مجوز دادن برای ساخت سریال درباره این شخصیت‌ها به وزارت ارشاد و شبکه نمایش خانگی زده است. او در انتهای توییتش هم به دوستان رسانه‌ای و غیررسانه‌ایش توصیه کرده دقت کنندا و البته خودش در این توییت باز هم فکت اشتباهی را مطرح کرده و آن هم مجوز گرفتن حسن فتحی از سازمان سینمایی وزارت ارشاد است.نکته‌ای که باز هم از اساس اشتباه است. طبق روال سازمان سینمایی در شفاف‌سازی، پروژه‌هایی که در هر مرحله‌ای برای کسب مجوز به این سازمان ارائه می‌شوند، نام‌شان در سایت سازمان سینمایی منتشر می‌شود. آخرین مجوزی که برای پروژه‌ای به کارگردانی حسن فتحی اقدام شده است، سریالی نمایش خانگی «جبران» است که پیش از این در خبرها آمده بود محتوای آن درباره زنان در دربار قاجار است.نکته‌ای که سیدعباس صالحی وزیر ارشاد هم در حاشیه جلسه هیات دولت به آن اشاره کرد و گفت: «درباره فیلم «مست عشق»، چون ساخت آن در داخل ایران اتفاق نمی‌افتد، مسیری که فیلم‌هایی که در داخل ساخته می‌شود را نیز طی نمی‌کند و طیما این امکان برای بررسی فیلمنامه و سایر جزئیات آن در سازمان سینمایی فراهم نمی‌شود.»

حال با این حواشی و ماجراها باید دید سرنوشت ساخت فیلم «مست عشق» به کجا ختم خواهد شد و آیا حسن فتحی خواهد توانست نظر مثبت مراجع را برای ساخت این فیلم که قطعا یکی از بازارهای هدف برای نمایش آن داخل کشور است، به دست بیاورد یا بدون توجه به بازار داخلی، این فیلم را برای مخاطب خارجی علاقمند به زندگی مولانا خواهد ساخت.

●●●●●

۳ فیلم ایرانی در جشنواره توکیو رقابت می‌کنند

بخش فرهنگی – سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو در کشور ژاپن میزبان سه فیلم از سینمای ایران در بخش رقابتی اصلی و رقابتی سینمای آسیا خواهد بود. فیلم «متری شش و نیم» به کارگردانی سعید روستایی نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی اصلی سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو در کشور ژاپن خواهد بود و با ۱۳ فیلم دیگر از کشورهای مختلف برای کسب جایزه نخست این رویداد سینمایی رقابت می‌کند.

«متری شش‌ونیم» پیش از این در بخش افق‌های هفتاد و ششمین جشنواره فیلم ونیز هم به روی پرده رفته است و به زودی در بخش رقابتی پانزدهمین جشنواره فیلم «زوربخ» در کشور سوئیس نیز به نمایش گذاشته می‌شود.

اما فیلم «قسم» به کارگردانی محسن تنابنده و «پیرمردها نمی‌میرند» ساخته رضا جمالی نیز دو نماینده دیگر سینمای ایران در جشنواره فیلم توکیو ۲۰۱۹ هستند که در بخش رقابتی آینده آسیا به نمایش گذاشته می‌شوند.

سی‌ودومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو که از ۲۸ اکتبر ۵ نوامبر (۶ تا ۱۴ آبان) در ژاپن برگزار می‌شود و طبق اعلام پیشین امسال فیلم «مرد ایرلندی» جدیدترین ساخته «مارتین اسکورسیزی» فیلم اختتامیه جشنواره خواهد بود.

{فرهنگ و هنر}

اشک‌ها و لبخندها برای فریماه فرجامی

ناراحتی زیادش شد.

داودونژاد: فریماه فرجامی مرا از زمین بلند کرد

در بخشی دیگر از این مراسم، علیرضا داودنژاد کارگردان سینما هم گفت: بعد از یک زمانی که در سینما کار می‌کردم و با فریماه فرجامی هم در دانشکده آشنا شده بودم، فیلمنامه «بی پناه» را نوشتم و فریماه که پخته و همچنان زیبا ولی پژمرده تر شده بود آمد. به او گفتم بیشتر مراقب خودش باشد و البته ساخت فیلم را هم شروع کردیم تا اینکه من یک خواهر خیلی عزیزی داشتم که خبر آمد تصادف کرده و کار ما برای مراسم او تعطیل شد. حال آن روزهای من خیلی بد بود ولی فریماه آمد و مرا از روی زمین بلند کرد تا کارم را تمام کنم و ساختنش و موفقیت آن فیلم را مدیون فریماه فرجامی عزیز هستم.

حسن فتحی:

در این ۳۰ سال کمتر کسی را با

استایل بازیگری فرجامی دیدم

سپس پیامی تصویری از حسن فتحی پخش شد و او درباره همکاری‌اش با فریماه فرجامی گفت: آشنایی من با ایشان به سریال پهلوان نمی‌میرند برمی‌گشت و در آن زمان برای عقد قرارداد مشکلی پیش آمده بود که من خیلی نگران منتفی شدن حضور ایشان بودم ولی وقتی متوجه نگرانی من شدند

با رقمی بسیار کمتر از شأن خود حاضر به همکاری شدند.

فتحی افزود: درباره استایل بازیگری فریماه فرجامی با قاطعیت می‌گویم در این ۳۰ ساله‌ی کار می‌کنم نمونه‌های این چنینی را خیلی ندیدم و مرا یاد بازیگران شکسپیرین تئاترهای خارج می‌انداخت. در نهایت ماحصل آشنایی من با ایشان دو سریال بود که جزو کارهای خوبم است و آرزومندم امکانی فراهم شود تا باز هم فعالیت کنند.

امین تارخ: قربانیان فراوان دیگری در راه است

در بخشی دیگر از این نکوداشت که در غیاب فریماه فرجامی بود، امین تارخ که او هم تجربه همکاری با فرجامی داشت، با احترام از این هنرمند یاد کرد و از آنجا که با کلاه و گرمی و از سر فیلمبرداری به خانه سینما آمده بود، گفت: در شأن فریماه نیست که با شلوار جین و گرمی ناپاک بیایم ولی از سر فیلمبرداری بودم و به اجبار این طور شد.

او با اشاره ای غیرمستقیم به شرایطی که برای فرجامی پیش آمده بود، بیان کرد: همه شاهد هستیم که چرا این چنین شد، که چرا کسانی از آغاز پروان وارد می‌شوند ولی بعد کم توان می‌شوند. نمونه‌ی فریماه عزیز زیاد است. پرویز فتی زاده، خسرو شکیبایی و حسن جوهرچی. در حالی که اگر به کنه این قضیه کمی بیشتر توجه کنیم می‌بینیم بخشی از تقصیر به گردن خودشان است و بقیه برعهده جامعه است که قربانی می‌گیرد. او با اشاره مثبت به خاطرات شیرینی که از فرجامی گرفته شد، افزود: نباید از یاد برد قربانیان فراوان دیگری در راه هستند که هم ما و هم خانه سینما در برابرشان مسئول هستیم و مدیران فرهنگی نیز باید مراقب باشند تا نمونه‌هایی از جنس فریماه فرجامی را نداشته باشیم.

انتقاد سیروس الوند از برگزار نشدن زودتر بزرگداشتی با حضور فرجامی

در ادامه سیروس الوند که فیلم‌سافر را با بازی فرجامی ساخته بود، گفت: سخت است که این بزرگداشت بدون حضور خود فریماه فرجامی باشد و این سوال هست که آیا این همه سال فرصتی نبود تا بزرگداشتی برگزار شود که خود او هم باشد؟ این تقصیر همه ماست و باید به فکر هم باشیم چون همه چیز در کمین است. بازیگر باید بداند که سینما در گذار از مشکلاتی مثل پخش‌کننده و سینمادار است. او با اشاره به اینکه اگر فرجامی بازی نمی‌کرد فیلم‌سافر را اصلا نمی‌ساخت، ادامه داد: در آن زمان بازیگران تازه دیگری هم به سینما آمده بودند ولی من می‌خواستم «بازیگر» داشته باشم. حالا هم این را می‌گویم که یادمان نرود مسئولان مهمانان سینما هستند و ما هستیم که در سینما می‌مانیم.

مسعود کیمیایی: فریماه فرجامی، هست

همچنین مسعود کیمیایی در پیامی تصویری با اشاره به این‌که شکیبایی و فرجامی را او در فیلم‌هایش به بازی گرفت، از اتفاقاتی که برای این بازیگر رخ داده ابراز تأسف کرد و گفت:

فریماه فرجامی همچنان هست.

در بخشی دیگر با حضور گلاب آدینه، نوید محمدزاده، حبیب رضایی و رسول صادقی هدایایی از طرف خانه سینما و بنیاد سینمایی فارابی به یکی از دوستان نزدیک فریماه فرجامی داده شد که در مراسم به نیابت از او حاضر بود.

پایان بخش این مراسم پخش ویدئویی کوتاه از گفت و گوی امیر پوریا با فریماه فرجامی در منزل او بود که فرجامی در آن از رخشان بنی اعتماد، علی حاتمی و فیلم‌های خط قرمز و مسعود کیمیایی و ساغر سیروس الوند یاد کرد و گفت که از بچگی عاشق سینما و تئاتر بوده و از خیلی‌ها در این مسیر یاد گرفته است. او اضافه کرد که ارتباط داشتن با مردم با خیلی دوست داشته و باید یاد بگیریم به یکدیگر احترام بگذاریم.

محمدرضا محمدی‌نیکو:

شعر شفيعی کدکنی مرا دگرگون کرد

جمهوری اسلامی می‌فرستادم که مسئول صفحه شعر آن، بوسفعلی میرشکاک بود. نه‌قد‌های او که گاه تشویق بودند و گاه نقد تند، بسیار در سرودن شعر به من کمک کردند و آموزنده بودند. در سال ۶۰ به رادیو رقتم و مدتی بعد هم شروع به نوشتن نمایشنامه کردم و حدود ۲۰۰ نمایشنامه در موضوعات مختلف نوشتم. پس از آن و در سال ۷۰ وارد تلویزیون شدم و مستندسازی را آغاز کردم.

او همچنین در بخشی از برنامه درباره رمان «افسانه فریدون» توضیحاتی داد و گفت: فردوسی در شاهنامه از چهار یا پنج‌سالگی تا ۱۶ سالگی فریدون هیچ حرفی نمی‌زند. به نظر آمد این مجال خوبی است که فردوسی در اختیار ما قرار داده تا فکر کنیم و ببینیم چه اتفاقاتی برای یک نوجوان اقلامه و چه او را گذشت که قابلیت رهبری مردم را به دست می‌آورد و رمان «افسانه فریدون» کاملاً مبتنی بر تخیل خود من است.

محمدی‌نیکو سپس بیان کرد: اگر بخواهیم خود را با فردوسی رودرو کنیم، مثلا تصمیم بگیریم داستان اسفندیار را بازنویسی کنیم، حتما شکست خواهیم خورد چراکه فردوسی آن‌چنان بی‌نقص شخصیت‌پردازی‌های شاهنامه را انجام داده که تا امروز کسی نتوانسته است یک بازنویسی موفق از آن انجام دهد. قدرت داستان‌پردازی و ادبی فردوسی در تاریخ ادبیات ما یگانه است و کتاب و او به تعبیری، هویت ملی ماست. در آن‌ساعت‌ها سراف‌نقطه‌چین‌های شاهنامه برویم نه این‌که بخش‌هایی را انتخاب کنیم که فردوسی به بهترین شکل آن‌ها را پرداخته است. شاهنامه پر از خطوط سفید است. به عنوان مثال، زال در شاهنامه کشته نمی‌شود در حالی که داستان تولد او آن‌قدر پرهیاهو و مفصل بیان شده است و مرگ او می‌تواند دست‌مایه‌ای برای آفرینش یک داستان باشد.

محمدرضا محمدی‌نیکو درباره آثار آماده چاپ یا در حال نگارش خود نیز گفت: هم‌اکنون چند مجموعه شعر ترجمه از زبان سوندی آماده چاپ دارم. رماتی هم در حال نگارش است که در دوره مغول می‌گذرد به نام «شمشیر درگذرنده از استخوان» و چند مجموعه داستان کوتاه هم آماده چاپ دارم.

این شاعر در پایان برنامه از مجموعه‌های شعر خود شعرهایی را خواند.

محمدرضا محمدی‌نیکو در مه‌رمه ۱۳۴۰ متولد شده و دیپلم خود را از مدرسه دارالفنون و لیسانس ادبیات را از دانشکده علامه طباطبایی گرفته است.

در کارنامه فعالیت‌های ادبی او، شعر، داستان، نمایشنامه، فیلم مستند و سفرنامه دیده می‌شود و مجموعه‌های شعر «سرزمین بی‌آسمان»، «برگزیده اشعار»، «عشق از نیم‌رخ»، «آرش کمانگیر»، «بان» و «افسانه فریدون» داستان‌هایی برای کودکان و نوجوانان، «سفرنامه آسیای مرکزی»، تحقیقی با عنوان «شعر امروز، چندین سخن نغز» (با همکاری ساعد باقری)، بازنویسی «خداوندگار، داستان‌های زندگی مولانا»، فیلم‌نامه «روزی فراخواهد رسید»، سریال تلویزیونی براساس زندگی نایب دوم امام زمان (عج) و «بررسی ریشه‌های ایرانی شورش زنگیان، جنبش قرمطیان و فاطمیان مصر» از جمله آثار او هستند.

بخش فرهنگی – فریماه فرجامی می‌گوید، از بچگی عاشق تئاتر و سینما بوده و در سال‌های بازیگری اش تجربه های زیادی از چهره‌های مطرح این دو عرصه آموخت. او خوشحال است که به واسطه همین بازیگری با مردم در ارتباط بوده چون این مردم و سرزمین ایران را دوست دارد. به گزارش ایسنا، عصر چهارشنبه سوم مه‌رمه برنامه‌ای به بهانه بزرگداشت فریماه فرجامی در خانه سینما به همت امیر پوریا و با اجرای او برگزار شد؛ برنامه‌ای که به گفته وی در ستایش زیبایی این هنرمند هم بود، زیبایی در چهره و منش که جمعی از همکارانش در غیاب او از آن یاد کردند. در این مراسم هنرمندانی همچون گلاب آدینه، امین تارخ، سیروس الوند، محمد متوسلانی، نوید محمدزاده، حبیب رضایی، محمد رحمانیان و علیرضا داودنژاد حضور داشتند و برخی هم مثل کیمیایی و حسن فتحی پیامی تصویری برای نکوداشت فریماه فرجامی فرستاده بودند.

در ابتدای این مراسم که با پخش تصویری از این هنرمندی فرجامی روی صحنه تئاتر و در سینما همراه بود، محمد متوسلانی که تجربه همکاری با او داشت در جملاتی که بیشتر متاثر از افسوس بر شرایطی بود که در روند زندگی شخصی و هنری فریماه فرجامی پیش آمد، گفت: سینما و بخصوص بازیگری حرفه بی‌رحمی است و جامعه

هم زیاد ترحم ندارد . در این بین خام‌ها هم بیشتر مورد بیرحمی قرار می‌گیرند و اینها وقتی مضاعف می‌شود که یک شخص نسبت به خودش هم ترحم نداشته باشد. من اولین بار در فیلم خط قرمز مسعود کیمیایی خنمی را دیدم که نوید می‌داد سینمای ما دارد صاحب ستاره می‌شود، اما او از ستارگانی است که فراز و فرود زیادی در سینما داشت.

او با اشاره به اینکه می‌خواسته فیلم «سووشون» را با بازی فرجامی بسازد ولی میسر نشد، افزود: ماندگاری در سینما برای هنرپیشه خیلی سخت است چون خیلی چیزها را باید رعایت کند تا بماند. در اینجا افراد خودشان باید این کار را کنند و مراقب خود و حرفه شان باشند در حالی که جاهای دیگر مشاوران هستند و به بازیگر کمک می‌کنند. تصور من این است که خانم فرجامی نه خودش چید در مسیر کارش تصمیم درستی بگیرد نه مشاور خوبی داشت و علیرغم استعدادش آن جایگاه شایسته را حداقل آنطور که من انتظار داشتم، به دلیل نداشتن سیاست درست، به دست نیاورد.

سپس هستی مهدوی‌فر به عنوان یکی از بازیگران نسل جوان که در سال‌های اخیر در کنار او فیلم بازی کرده بود با بیان اینکه «منی‌دانم چه بگویم که تلخ نباشد» گفت: فقط این را می‌توانم بگویم که یک روزی سر فیلمبرداری نمی‌دانم چه پرسیدم ولی ایشان جواب دادند، «من عاشق سینما هستم» و این را چنان حسی گفتند که من هنوز کسی را ندیدم مثل ایشان بگوید عاشق سینماست.

در ادامه مجید مظفری که همبازی فرجامی در فیلم «تماس شیطانی» بود در پیامی تصویری خاطراتی را از اولین باری که فرجامی را در منزل فریدون گله، از خویشاوندان فرجامی دیده بود تعریف کرد و اینکه چطور فرجامی که در دانشکده هنرهای دراماتیک قبول شده بود، از طرف گله به مظفری سپرده شد تا هوایش را داشته باشد و او در این مسیر وارد گروهی از هنرمندان بنام تئاتر می‌شود.

وقتی رحمانیان بادیگار د فریماه فرجامی شد

سپس محمد رحمانیان از نویسندگان و کارگردانان تئاتر که در مدت زمانی کم پس از مطلع شدن از این برنامه خود را به تالار سیف اله داد خانه سینما رسانده بود، به بیان چند خاطره از این بازیگر پرداخت.

او با اشاره به اینکه «من شاید خیلی شخص مناسبی نباشم که درباره اولین ستاره سینمای ایران پس از انقلاب ۵۷ صحبت کنم» گفت: فریماه فرجامی اولین ستاره ای بود که فارغ از روال ستاره سازی قبل از انقلاب ستاره شد. او شاگرد بهرام بیضایی و هنرمندی تحصیلکرده بود که در نمایش های زیادی روی صحنه رفت و در یکی از بهترین گروه های تئاتری به سرپرستی مجید جعفری کار کرد.

او در خاطره ای خوش از فرجامی گفت: موقع اکران خط قرمز در جشنواره همه پشت در سینما بر سر هم می‌زدند و فریماه با دست شکسته آمده بود تا فیلم را ببیند و آنجا بود که خیلی‌ها همدیگر را می‌دریدند تا او را ببینند. همین حضور او با آن شرایط باعث شد خیلی‌ها به بادیگار شخصی او تبدیل شوند تا راه برایش باز کنند و آخر هم نزدیک به ۵۰ نفر با او به عنوان همراه وارد سینما شدند. البته عذرخواهی می‌کنم که بگویم من هم یکی از آن ۵۰ نفر بودم ولی چند روز بعد در اداره تئاتر ایشان مرا دیدند و گفت همانی هستی که در آن وضعیت کمک کرده بودی نجات پیدا کنم.

او سپس از خاطراتی گفت که به استنقاق از او و برخی هنرمندان دیگر مثل تانیا جوهری سر اجرای یک پروژه مربوط می‌شد و اینکه حرف‌ها و نسبت‌هایی به او داده شد که سبب

بخش فرهنگی – کارنامه شعری و فعالیت‌های ادبی محمدرضا محمدی‌نیکو در نشست «شیرازه شعر» بررسی شد

به گزارش ایسنا، در دهمین نشست «شیرازه شعر» که عصر روز سه‌شنبه (دوم مه‌رمه ۹۸) با حضور اهالی ادبیات و شعر در خانه شاعران ایران برگزار شد، محمدرضا محمدی‌نیکو به بیان تجربه‌های شیری خود پرداخت.

او درباره شروع شاعری خود گفت: در دوران دبیرستان به صورت ناآگاهانه شعر می‌سردم. اولین مواجهه جدی من با شعر هنگامی بود که شعر «کوچه» فریدون مشیری را خواندم و آن‌قدر شفته شدم که با عجله به کتابخانه کانون پرورش محلمان رقتم و کتاب را خواستم. خنمی که کتابدار مجموعه بود، «در کوچه‌باغ‌های نشابور» دکتر شفيعی کدکنی را به من معرفی کرد و من هم همان لحظه نشستم و همه کتاب را خواندم. طبیعتا شعر پرخون و پرتهپش آن سال‌های دکتر کدکنی در آن فضای پرتب و تاب بسیار به دل من نشست و مرا دگرگون کرد.

محمدی‌نیکو افزود: دومین مجموعه شعری که چنین تاثیری بر من گذاشت، «سفر پنجم» دکتر طاهر صفارزاده بود که به نظر من، این کتاب از قلعه‌های شعر نوست و به گمانم، نه خود خانم صفارزاده و نه دیگران، هرگز نتوانستند مانند آن مجموعه را خلق کنند. زبان پیامبرانه‌ای که اشعار این کتاب دارند، تکرارنشدنی و نشان‌دهنده تسلط کامل ایشان بر زبان قرآن و کتب مقدس است. من در سال‌های قبل از انقلاب به این دو بزرگوار و به این دو مجموعه بسیار

مدیون هستم. او با اشاره به یکی از کتابخانه‌هایی که در آن زمان به آن رفت‌وآمد داشته، بیان کرد: کتابخانه منزل مرحوم سلطان‌الواعظین کتابخانه‌ای بسیار غنی بود که لحظه‌های خاطره‌انگیزی برای من ساخت. در آن‌جا با مصطفی‌فر حضرت آشنا شدم که مسئولیت کیهان فرهنگی را خواندم و آن‌قدر به جلسات شعر حوزه اندیشه و هنر که به تازگی افتتاح شده بود، دعوت کرد. اوایل سال ۶۰ به حوزه رقتم که بزرگ‌ترین خوشبختی در فضای شعری و حتی زندگی من بود. در آن‌جا با استادانی همچون حسین آهی، مهرداد اوستا، سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور، ساعد باقری، محمدرضا عبدالملکیان، سهیل محمودی و وحید امیری آشنا شدم. مرحوم حسینی و مرحوم امین‌پور، تاثیر بسزا و شگرفی بر ما داشتند بخصوص سیدحسن حسینی که با تلنگرهایی به ما یاد می‌دادند چگونه شعر بگوییم. این شاعر در ادامه گفت: از بزرگ‌ترهای آن جمع، استاد اوستا بود که بودند که از منات، بزرگواری و تسلط عجیبی که بر شعر و نقاشی و موسیقی داشت، بسیار می‌آموختیم. ایشان دریای غریبی بودند و وقتی بر اساس تداعی معانی و تداعی ذهنی شروع به صحبت می‌کردند، از هر کلمه و جمله ایشان، درس می‌گرفتیم. همچنین در آن زمان با سلمان هراتی آشنا شدم که حقیقتا از گوهرهای ناشناخته شعر معاصر ماست. او شاعر مجسم بود و از بسیاری از کسانی که دیدم و شناختم، بسیار شاعرتر بود هم از نظر زبانی و قدرت طبع شاعری هم از نظر روحی.

محمدی‌نیکو درباره انتشار اولین شعرهای خود اظهار کرد:اولین اشعارم را در سال ۵۹ برای مجله

مولانا در سبد صنعت فرهنگ



رضا بابایی

خبر ساخت سینمایی «مست عشق» دوستداران مولوی و شمس را نباید خوشحال کند؛ هم به دلیل جنس و ترکیب سازندگان تجارت‌پیشهٔ فیلم و هم از آن رو که آموزه‌ها و شخصیت مولوی و شمس، به کار عامه مردم نمی‌آید.

به گزارش خبرنگار مهر، پس از حرف و حدیث‌هایی که روز سه‌شنبه دوم ۱۳۹۸ درباره ساخت سریال یا فیلمی سینمایی درباره شمس تبریزی منتشر شد، رضا بابایی، مولوی پژوه، مدرس حوزه و دانشگاه و نویسنده کتاب «مولوی و قرآن» یادداشتی را در کانال تلگرامی خود با نام «از ملت عشق تا مست عشق» منتشر کرد. به باور این مولوی شناس که سال‌ها دروس شرح و تفسیر مثنوی داشته، اکنون مولانائیسیم بدل به یک صنعت فرهنگ سودآور شده و مشتریان بسیاری در جهان داشته و دارد و آنچه تلویزیون و سینمای ایران تا امروز با مولوی و شمس کرده است، هیچ دشمنی با آن دو نکرده است. این یادداشت را در ذیل بخوانید:

«گویا سینمای ایران و ترکیه تصمیم گرفته‌اند محصولی مشترک به نام «مست عشق» دربارهٔ شمس تبریزی و مولوی به کارگردانی حسن فتحی بازی دو هنرپیشهٔ سرشناس ایرانی بسازند. گروهی از طلاب حوزه‌های علمیهٔ قم نامه‌ای به مراجع تقلید نوشته و خواستار مخالفت آنان با ساخت این فیلم سینمایی شده‌اند. تا امروز دو تن از مراجع قم، به نامهٔ طلاب جواب داده و ساخت فیلمی دربارهٔ شمس و مولانا را ترویج تصوف و خلاف اسلام و مکتب اهل بیت(ع) خوانده‌اند.

من به نویسندگان نامه و مراجع محترم تقلید اطمینان می‌دهم که قصد سازندگان این فیلم، نه ترویج تصوف است و نه ارائهٔ شناختی درست و پرمعنا از مولوی و شمس و نه هیچ انگیزهٔ دینی یا فرهنگی دیگر. بیشتر همین کارگردان سریالی به نام «روشن‌تر از خاموشی» دربارهٔ زندگی ملاصدرا ساخته بود که دیدن آن اعصاب فولادین می‌خواست؛ چون به طرزی ناشایه می‌کوشید که از ملاصدرا چه‌راهی انقلابی و منتقد حکومت صفاوی بسازد! چرا؟ چون از نظر صداوسیما اوسازندگان این آثار] همهٔ چهره‌های مبرز تاریخ ایران، باید چهره‌ای مبارز و ضد سلطنت داشته باشند. آن سریال نه ترویج فلسفه و عرفان بود

و نه خدمت به تاریخ ملی ایرانیان.

آنچه تهیه‌کنندگان فیلم «مست عشق» را نیز به سرمایه‌گذاری در این پروژه واداشته است، سودآوری آن است. صنعت مولانائیسیم در ترکیه و ایران و بلکه در جهان، مشتریان بی‌شماری یافته و نمونهٔ آن، فروش باورنکردنی کتاب «ملت عشق» نوشتهٔ خانم الیف شافاک در ایران و ترکیه است. شاید چاپ و فروش هیچ کتابی را در ایران و ترکیه نتوان با این اثر مقایسه کرد؛ به‌ویژه از آن رو که این کتاب از هیچ گونه حمایت سازمانی و دولتی برخوردار نبود؛ برخلاف برخی کتاب‌های پرشمارگان که همه یا اکثر نسخه‌های آن با بودجه‌های دولتی توزیع شده‌اند. «ملت عشق» چنان توفیقی در ترکیه و ایران یافت که سازندگان «مست عشق» را هم به طمع انداخته است. انتخاب عنوان «مست عشق» نیز خواسته یا ناخواسته برای استفاده از برند «ملت عشق» است.

اگر طلاب و مراجع حوزه می‌خواهند فیلم‌هایی همچون مست عشق ساخته نشود یا کتاب‌هایی همچون ملت عشق، چنین مقبول نیفتد، باید جلو سودآوری این گونه تولیدهای هنری را بگیرند که آن نیز با فتوا و برخورد‌های حکومتی ممکن نیست. منطق بازار چنان قوی و صبور است که سرانجام هر منطق دیگری را مغلوب می‌کند.

من اگر جای طلاب قم و مراجع تقلید بودم، از خبر ساخت فیلم «مست عشق» خوشحال هم می‌شدم؛ زیرا آنچه تلوزیون و سینمای ایران تا امروز با مولوی و شمس کرده است، هیچ دشمنی با آن دو نکرده است. بیشتر تولیدهای سینمایی یا تلویزیونی دربارهٔ مولوی و شمس در ایران و ترکیه، یا انگیزهٔ تجاری داشته‌اند یا برای سوءاستفاده از محبوبیت آن دو بوده است. مخالفان مولوی و شمس، اگر می‌خواهند جلو هر گونه تولید هنری و غیر هنری را دربارهٔ آن دو بگیرند، نخست باید فکری به حال محبوبیت جهانی شمس و مولانا و سودآوری آن دو برای صنعت سینما و فیلم‌سازی بکنند، که آن نیز ممکن نیست.

خبر ساخت سینمایی «مست عشق» دوستداران مولوی و شمس را نباید خوشحال کند؛ هم به دلیل جنس و ترکیب سازندگان تجارت‌پیشهٔ فیلم و هم از آن رو که آموزه‌ها و شخصیت مولوی و شمس، به گونه‌ای نیست که به کار عامهٔ مردم بیاید. مثنوی و دیوان غزلیات و مقالات شمس، از نوع گلستان سعدی یا قابوس‌نامه نیست که مردم را به مراجعهٔ مستقیم به آنها دعوت کنیم. زین سبب من تیغ کردم در غلاف تا که کزخوانی نخواند برخلاف»